

از هرج و مرج تا صلح اعظم

علی نخبجوانی

امروز بیشتر وقت ما درباره تجزیه و تحلیل اوضاع عمومی جهان، از نقطه نظر تعالیم حضرت بهاء الله است. مثلاً آیا آینده بشر تاریک است یا روشن؟ آیا رو به انحطاط می‌رویم یا رو به ترقی؟ فقدان نظام حاکم در یک منطقه و یا یک کشور ممکن است، یک نوع هرج و مرج باشد ولی عبارت هرج و مرج علی الاطلاق موجباتش عمیق‌تر است و عواقبش وخیم‌تر. مثلاً در این چند فقره از بیانات جمال اقدس ابهی دقت بفرمائید، اغلب شما حتماً با این بیانات مبارکه آشنائی کامل دارید و حضرت ولیّ عزیز امرالله این بیانات مبارکه را در آثار خودشان مکرراً نقل فرموده‌اند: «عالم منقلب است و انقلاب او یوماً فیوماً در تزیاد و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود... قوه و بنیه ایمان در اقطار عالم ضعیف شده... سستی ارکان دین سبب قوت جهال و جرأت و جسارت شده. دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم، چه که خشیت الله ناس را به معروف، امر و از منکر نهی نماید. اگر سراج دین مستور ماند، هرج و مرج راه یابد».

بینید این تجزیه و تحلیل جمال مبارک چگونه است؟ چند فقره می‌فرمایند سستی ارکان دین سلب آسایش و سلب آرامش است و نتیجه آن هرج و مرج است. ولی عجب در این است که هرج و مرج کنونی در عالم عمدتاً و در درجه اول ناشی از افراد یا مؤسّساتی است که به نام خدا آسایش عالم را سلب کرده‌اند، پس بالتبع این بیان مبارک حضرت بهاء الله باید به این نتیجه برسیم که حقیقت دین کلاً و اکثراً رخت بر بسته و آنچه به نام دین داری و خدا پرستی عرض اندام می‌کند ظواهر دین است نه حقیقت دین، زیرا به فرموده مبارک دین حقیقتی است که مولد و موجد خشیت الله در قلوب است و این ترس از خدا و عدالت او انسان را از نفس و هوی و اغراض و هوس‌های غیراخلاقی منع می‌کند و او را به تقوی و پرهیزکاری و رعایت حقوق دیگران و صلح و آشتی دعوت می‌کنند. بی‌اعتنائی و رو برگردانی از تعالیم دین حقیقی نتیجه‌اش کینه جوئی، ترس، سوءظن و جدائی و ویرانی است.

باید در نظر داشته باشیم که در هر مرحله از سیر تکاملی بشر نفس بعثت مظهر ظهور هم با اثرات مثبت و هم با تصرفات منفی توأم است. مظهر الهی مانند آفتاب است. آفتاب سبب رشد و حیات است ولی همین حرارت آفتاب برف کوه‌ها را ذوب می‌کند و سیل‌های هولناک ایجاد می‌کند و سبب ویرانی آبادی‌ها می‌شود. هم مثبت است و هم منفی. این دو عکس‌العمل که متضاد و مغایر یکدیگرند، ذکرش در تعالیم ادیان گذشته و نیز در آثار این ظهور اعظم به کمال صراحت آمده است. مثلاً در انجیل در فصل مکاشفات حضرت یوحنا حواری می‌خوانیم: «دیدم آسمان جدید و زمینی جدید، چون آسمان اول و زمین اول در گذشت» و در قرآن کریم در سوره ابراهیم این آیه مبارکه آمده است: «یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات» یعنی روزی خواهد آمد که ارض به ارض دیگر مبدل خواهد شد و آسمان‌ها به آسمان دیگر.

واضح است که مقصود از ارض، اراضی قلوب و نیز اراضی مدنیت ظاهری است و مقصود از سماوات، سماوات ادیان است. چنانچه حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب ایقان این مسئله را به تفصیل توضیح داده‌اند. در آثار حضرت بهاءالله نیز اشاره به این دو حرکت مثبت و منفی شده است. مثلاً راجع به حرکت منفی می‌فرمایند: «زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد». و نیز: «هنگام فنای عالم و اهل آن رسید». و اما راجع به جنبه مثبت می‌فرمایند: «حال ارض حامله مشهود، زود است که اثمار منیع و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماء جنبه مشاهده شود».

در یکی از توقیعات حضرت ولی امرالله خطاب به احباب غرب این دو قوه را این طور بیان می‌فرمایند: «این دو نیرو یکی سازنده و الفت دهنده است، دیگری مخرب و متلاشی کننده. آن یک، در سیر مداومش تدریجاً سبب ظهور نظامی گردد که نمونه‌ی اعلی برای اداره کردن جهانی است که مسیر و مقصد دنیای آشفته امروز ما است و این یک، در مسیر تجزی بخش و مخربش با شدتی روز افزون، هر سد و مانعی را در راه وصول بشر به سرنوشت مقدر خود در هم می‌شکند. آن سیر سازنده با آئین نوزاد حضرت بهاءالله وابسته است و بالعکس، این نیروی مخرب که نماینده آن سیر دیگر است و البته وابسته به مدنیتی است که از اجابت مقتضیات زمانه اعتراض نموده و بالنتیجه به کابوس هرج و مرج و انحطاط دچار شده است».

برای تصویر ذهنی ما از این دو قوه متضاد بنده پیشنهاد می‌کنم که این طور تصور بکنیم که این دو سیر مانند دو خط هستند، یکی مافوق دیگری، که در تاریخ بیست و سوم ماه می ۱۸۴۴ م در

مدینه مبارکه شیراز آغاز شد. خطّ بالا نمود از ترقّیات امر مبارک است و مشروعات نظم اداری جامعه بهائی است. خطّ زیرین عبارت از شئون آشفته و پریشان و پر هرج و مرج دنیای کنونی است. باز خطّ بالا در حال صعود است و به فضل حقّ به اوج خود خواهد رسید، خطّ زیرین در حال نزول است و با مرور زمان بلکه به فرموده جمال اقدس ابهی یوماً فیوماً در باتلاق‌های انحطاط اخلاقی و مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و هرج و مرج عمومی فرومی‌رود.

در توفیق مبارک رضوان ۱۰۵، حضرت ولیّ امرالله توصیفی از این خطّ نزولی مرقوم فرموده‌اند: «ملاحظه نمائید که چه انقلابی در عالم ادنی احداث گشته، چه غفلتی دول و ملل را مبتلا نموده، چه خطر عظیمی کره ارض را احاطه نموده، چه اسباب عجیبه غریبه‌ای در عالم کون ظاهر و نمودار گشته. آثار نفاق و ضغینه و بغضاء و انشقاق در مجمع نمایندگان ملل و امم پدیدار، رقابت و خصومت در بین دول و اجناس و ادیان و طبقات، آناً فاناً در ازدیاد. بحران اقتصادی شدید، مشاجرات بین رنجبران و سرمایه داران متزاید. وجه عالم متغیّر، نظم جهان مضطرب، ارکان مدنیّت متزعزع، دول غافل و ذاهل، امم بر اصنام اوهام عاکف، سراج دین مستور، دخان فساد متصاعد، افکار مشوّش، آراء متناقص، عقاید متزلزل، انجم اقبال رؤسای ادیان عتیقه آفل، نفوس در غمرات شهوات مستغرق، مفاسد اخلاقیّه منتشر. ناله و فغان ایتام و ارامل و فقراء و غرباء و اسراء به عنان آسمان متواصل. دول ضعیفه حیران و هراسان، حقوق اقلّیات دینیّه و جنسیّه مسلوب، تندباد عصیان و نافرمانی در هبوب، دریای سخط الهی پر جوش و خروش، گمگشتگان ارض از امیر و حقیر و صغیر و کبیر و حاکم و محکوم و رئیس و مرئوس از باده غفلت سرمست و مدهوش».

ملاحظه نمائید که این قلم مبارک چه کار کرده است و با چه تیزی و قاطعیّتی اوضاع جهان امروز را توصیف فرموده‌اند. انسان گمان می‌کند که این بیانات مبارکه مثل این است که هفته پیش از ارض اقدس رسیده، در صورتی که این بیانات در رضوان ۱۰۵ بدیع، یعنی در سنه ۱۹۴۹ م صادر شده است.

برای تکمیل این تصویر ذهنی ما باید به توقیعات حضرت ولیّ امرالله به انگلیسی باز رجوع کنیم. طبق این توقیعات به خطّ ثالثی اشاره می‌فرمایند. آن نیز مثبت است و در حال صعود و موازی با خطّ فعّالیّت‌ها و ترقّیات جامعه بهائی است. می‌توانیم آن را به صورت یک خطّ نقطه چین تصوّر کنیم. این خطّ ثالث حاکی از مجهودات افراد یا مؤسّسات جهان است که با تعالیم جمال اقدس ابهی هماهنگی کامل دارد. ما اهل بهاء معتقدیم که این اقدامات در اثر نفوذ غیر

مستقیم آئین الهی در عالم امکان تحقق یافته و در آینده بیش از پیش تحقق خواهد یافت. مثلاً ترویج روح صلح و آشتی در دنیا، بین دول و امم، بین مذاهب و ادیان، بین طبقات و اقلیت‌های نژادی، ایجاد مؤسسات برای تأمین حقوق اطفال، برای حفاظت محیط زیست، برای بهداشت جهانی، برای جلوگیری از امراض مسری، حمایت حقوق بشر که از همه مهم‌تر است و قس علی ذلک.

بارزترین و مهم‌ترین نمونه دالّ بر اهمّیت این خطّ ثالث ایجاد هیئت جامعه ملل در سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ م در بحبوحه مشکلات سیاسی بین المللی بعد از پایان جنگ اول بود. این انجمن ملل جهان هر چند مواجه با مشکلات سیاسی، بین المللی شد ولی از لحاظ تاریخ سیاسی عالم تحوّل و اتفاق و واقعه بی سابقه و بی نظیر محسوب می‌شود، به فرموده مبارک حضرت ولیّ عزیز امرالله: «اولین بار در تاریخ بشر بود که نظام امنیّت جمعی که حضرت بهاءالله پیش بینی و حضرت عبدالبهاء به صورت قطعی اعلام فرموده بودند، به مرحله بحث و آزمایش در آمد». متأسفانه این انجمن جامعه ملل (League of Nations) نظر به اختلافات داخلی فلج شد و تقریباً منحل شد و در نتیجه وخامت اوضاع سیاسی بین المللی، جنگ بین المللی دوم واقع شد و در پایان این جنگ ثانی، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ م تأسیس شد. بیش از نیم قرن است که این سازمان در حال رشد و تکامل است، البته نواقص و مشکلات زیادی دارد، از قبیل تعیین تعداد اعضاء دائم و موقت شورای امنیّت، و مخصوصاً تکلیف حقّ وتو. ولی طبق پیش بینی کلیّ حضرت بهاءالله چنین مؤسسه‌ای باید سیر تکاملی خود را طی کند تا به مرحله بلوغ خود برسد و مرحله بلوغش همانا تأسیس صلح اصغر است. این عبارتی که در آثار مبارک راجع به این صلح زیارت می‌کنیم خطاب به سلاطین و امرای جهان می‌فرمایند: «لَمَّا نَبَذْتُمُ الصَّلْحَ الْأَكْبَرَ عَن وِرَائِكُمْ تَمَسَّكُوا بِهَذَا الصَّلْحِ الْأَصْغَرِ لَعَلَّ بِه تَصْلَحُ أُمُورُكُمْ وَالَّذِينَ فِي ظِلِّكُمْ عَلَي قَدَرٍ...».

مضمون بیان مبارک چنین است: حال که صلح اکبر را به پشت گوش انداختید لااقلّ به این صلح اصغر تمسک نمائید تا شاید امور شما و امور نفوسی که در ظلّ شما هستند قدری اصلاح پذیرد.

این صلح اصغر بر حسب توضیحات صریحه حضرت ولیّ امرالله، صلحی است که صرفاً مبتنی بر موازین و مصالح سیاسی است. یعنی هر چند در اساس نامه آینده آن اصول اخلاقی تا اندازه‌ای البته رعایت خواهد شد ولی به طور قطع محروم از موهبت اصول روحانی امر الهی خواهد بود. مثلاً صلح اصغر یکسان بودن حقوق انسان و آزادی عقاید فردی یا جمعی را البته

منظور خواهد داشت. ولی رعایت حقوق بشر که امری صوری و قانونی با لزوم ترک واقعی و حقیقی تعصبات دینی و یا نژادی که کیفیتی است عاطفی و وجدانی البتّه با هم فرق دارد.

باید در نظر داشته باشیم که در عالم وجود، رشد و نمو هر موجود زنده‌ای مرهون و مشروط به قوای فطری و ذاتی آن موجود زنده است و نیز احتیاج به عوامل مهمّه خارجی مانند حرارت آفتاب و نم نم باران دارد، عالم انسانی تابع همین قانون است. یعنی نوع بشر طبق بیانات مبارکه حضرت بهاءالله هر چند در طیّ قرون و اعصار گذشته در حال تحوّل و تطوّر بوده و حال نزدیک است که به مرحله بلوغ خود برسد ولی در عین حال به حرارت قوه محرکه و دافعه امر الهی و نم نم باران تعالیم همیشه احتیاج داشته و حال هم البتّه احتیاج خواهد داشت. این حرارت آفتاب و نم نم باران بر حسب تعالیم حضرت بهاءالله ظهور انبیاء و رسل است که از طرف حقّ سبحانه و تعالی مبعوث شده‌اند. هر یک از آنها قوه فعّاله تعالیم ملکوتی را در محیط خود تزریق نمودند و به اقتضای زمان رشد و نموّ هیئت اجتماعیه خود را فراهم ساختند. حال در این دوران و زمان جدید نیز، عالم انسانی آماده و مستعدّ ترقیّات جدیده شده است.

حضرت عبدالبهاء این کیفیت را در یکی از الواح مهمّه خود که معروف به لوح "هفت شمع" است، برای ما توضیح داده‌اند. لازم است مقداری از این لوح مبارک که خطاب به خانمی اسکوتلندی در سنه ۱۹۰۶ م یعنی در اوائل قرن بیستم از قلم مبارک صادر شده، را برای شما تلاوت کنم. این لوح مقدمه‌ای دارد. چون مقدمه آن قدری طولانی است بنده چند جمله از این مقدمه استخراج کرده‌ام که برای شما تلاوت می‌کنم: «در دوره‌های سابق هر چند ائتلاف حاصل گشت ولی به کلیّ ائتلاف من علی الارض غیر قابل بود زیرا وسائل و وسائط اتّحاد مفقود و در میان قطعات خمسّه عالم ارتباط و اتّصال معدوم، اما حال وسائل بسیار و فی الحقیقه قطعات خمسّه عالم حکم یک قطعه یافته. زیرا این قرن انوار عالمی دیگر و قوتی دیگر و نورانیّتی دیگر دارد. این است که ملاحظه می‌نمائی در هر روزی معجزه جدیدی می‌نماید و عاقبت در انجمن عالم شمع‌های روشنی بر افروزد و مانند بارقه صبح این نورانیّت عظیمه آثارش از افق عالم نمودار گشته». این مقدمه است و پس از آن هفت شمع را ذکر می‌فرمایند.

قبل از تلاوت بقیّه لوح مبارک این جمله معترضه را باید عرض کنم که این هفت شمع نمودار مشروعاتی است که کاملاً می‌توان آنها را جزو همان خطّ سوّم نقطه چین محسوب کرد زیرا امور مذکوره هر چند خارج از فعّالیّت‌های کنونی امری است ولی هم آهنگی کامل با تعالیم الهی دارد.

پس از تلاوت بیان مبارک درباره هر یک از این هفت شمع چند کلمه درباره آنها معروض خواهم داشت. پس به تلاوت بقیه لوح می‌پردازیم.

«شمع اول، وحدت سیاسی است و جزئی اثری از آن ظاهر گردیده». [ببینید هنوز جنگ بین‌المللی اول واقع نشده بود. هنوز League of Nations، انجمن ملل تشکیل نشده بود ولی حضرت عبدالبهاء در آن سال یعنی ۱۹۰۶ م می‌دیدند که در اذهان مردم این فکر دارد تولید می‌شود].

«شمع دوم، وحدت آراء در امور عظیمه است، آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد». [هنوز در زمانی که این لوح مبارک نازل شد، این وحدت آراء در امور عظیمه فعلاً نه مورد اقدام قرار نگرفته بود. حضرت ولی امر الله این عبارت را به انگیسی طوری ترجمه فرموده‌اند که خواننده کاملاً متوجه می‌شود که مقصود ترقیات علمی و اجتماعی نوع بشر است که قبلاً درباره این قبیل امور عام‌المنفعه صحبت کردیم].

«شمع سوم، وحدت آزادی است». [با استفاده از ترجمه حضرت ولی امر الله کاملاً پیداست که اشاره مبارک به آزادی در امور سیاسی است. یعنی ملت‌هائی که در کشورهای مستعمراتی آزادی نداشته به استقلال سیاسی کشوری نائل خواهند شد].

«شمع چهارم، وحدت دینی است. این اصل اساس است و شاهد این وحدت در انجمن عالم به قوت الهیه جلوه نماید». [عجالتاً مذاکرات سطحی و تبادل نظرهای تشریفاتی مابین رؤسای ادیان و مذاهب در جریان است، این بدایت کار و از مقدمات محسوب می‌شود ولی در آینده برای رفع حقیقی تعصبات به فرموده مبارک قوت الهیه لازم است].

«شمع پنجم، وحدت وطن است. در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز به نهایت قوت ظاهر شود، جمیع عالم عاقبت خود را از اهل وطن واحد شمارند». [همان طور که خودشان می‌فرمایند مقصود این است که در نظر عموم کره ارض وطن واحد نوع بشر محسوب شود و این مسلماً تحقق یافته است].

«شمع ششم، وحدت جنس است. جمیع من علی الارض مانند جنس واحد شوند». [این وحدت نژادی نیز مانند وحدت دینی در ظلّ تعالیم الهی از مرحله ابتدائی کنونی منتقل به وحدت عاطفی و حقیقی به تدریج تحقق خواهد یافت].

«شمع هفتم، وحدت لسان است یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند». [همان طور که می‌دانید این وحدت برای اهل عالم محرز و مسلم شده است].

به نظرم به قدر کافی دربارهٔ این دو خطّ مثبت، صحبت و گفتگو کردیم. حال باید قدری بیشتر دربارهٔ خطّ نزولی صحبت کنیم. البتّه بیان مبارک را به خاطر دارید که در اوّل، از توقیع مبارک رضوان ۱۰۵ تلاوت کردم. در لوحی حضرت عبدالبهاء آینده نوع بشر را این طور شرح و بیان می‌فرمایند: «روز به روز، هرج و مرج در دنیا در ازدیاد است، عاقبت به درجه‌ای رسد که بنیّه انسانی را تحمّل نماند، آن وقت انتباه رخ دهد و نفوس آگاه گردند که دین حصن حصین است و آئین نور مبین و احکام و تعالیم الهی مُحیی روی زمین». به نظر حقیر بیان مبارک این معنی را دارد که در محیط هرج و مرج عمومی، انحطاط و مذلت در جامعهٔ بشری به حدّی خواهد رسید (که هنوز نرسیده) که اهل عالم دیگر تحمّل و طاقت خود را در قبال این اوضاع به هم ریخته و آشفته از دست خواهند داد. این هنوز واقع نشده است. الان هرج و مرج هست ولی به این حدّ اشد که قابل تحمّل دیگر نباشد، هنوز نرسیده است. ولی حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند این تحوّل در پیش هست. یعنی انحطاط، تدنّی، بدبختی، آشفتنگی، به هم ریختگی، و از هم گسیختگی، بیشتر خواهد شد. به حدّی می‌رسد که دیگر بشر می‌گوید بس است و نمی‌توانیم، دیگر تحمّل نمائیم. تودهٔ مردم متوجه خواهند شد. حالت هوشیاری و بیداری ایجاد خواهد شد. متوجه می‌شوند که رو برگردانی از جوهر تعالیم روحانی و اخلاقی دین و آئین است که سبب این تیره روزی و فلاکت و نکبت شده. پس به ناچار راه حلّ را در جستجوی تعالیم حقیقی ادیان می‌دانند. در چنین موقعیتی است که اهل عالم از بی‌دینی و لامذهبی خود منصرف خواهند شد و به عبارت دیگر در بحث امروز از پیروی خطّ نزولی صرف نظر خواهند کرد و به تدریج نظر به مدارج بالا خواهند افکند و بالمآل منضم و ملحق به پیروان اصول دینی و اخلاقی خواهند شد (این پیش‌بینی حضرت عبدالبهاء است).

در آثار جمال اقدس ابهی سه صلح ذکر شده است: اصغر، اکبر و اعظم. صلح اصغر همان طور که عرض کردم صلح سیاسی است که در نتیجه استیصال دول عالم تأسیس خواهد شد. توضیحاتی که درباره کیفیت این صلح در آثار حضرت ولیّ امرالله زیارت شده از این قرار است: «حکومت‌های ملّی که هر نوع آزادی عمل را بر خود روا می‌دانند باید حدود و قیودی بر حاکمیت

خویش بنهند تا بتوانند اولین قدم لازم را برای تشکیل اتحادیه‌ای از جمیع ملل عالم در آینده ایام بپردازند. زیرا مقتضای زمان چنین است که یک حکومت اعلاّی جهانی ایجاد شود که در ظلّ آن تمام ملل عالم به طیب خاطر از داشتن حقوق و اختیاراتی از قبیل: اعلان جنگ، حقّ وضع بعضی از مالیات‌ها، کلیه حقوق مربوط به تسلیحات صرف نظر نمایند. چنین حکومت جهانی دارای یک قوهّ مجریّه بین المللی خواهد بود که قدرت نهائی و بلامنازع خویش را بر هر عضو متمرّد و طاعی این اتحادیه جهانی به کار خواهد بست. همچنین یک پارلمان جهانی خواهد داشت که انتخاب اعضایش با مردم هر کشور و با تأیید هر دولت خواهد بود و نیز یک محکمه کبرای بین المللی به وجود خواهد آمد که حکمش قاطع و بر همه ممالک روا خواهد بود. حتّیّ کشورهایی که مایل نباشند که قضایای آنها به آن محکمه ارجاع گردد باز مجبور بر اطاعت خواهند شد و در چنین جامعه جهانی، جمیع موانع اقتصادی، به کلی از میان خواهد رفت، سرمایه و کار لازم و ملزوم یکدیگر خواهند شد... یک مجموعه‌ای از قوانین بین المللی که محصول مشاورات نمایندگان پارلمان بین المللی است، تدوین خواهد گشت».

توجه نمائید، تمام مراتب را حضرت ولیّ امرالله در هفتاد و چند سال پیش، پیش بینی فرموده‌اند. تمایزهای صلح اصغر با صلح اکبر در این است که در ظلّ صلح اکبر، روح اصول روحانی و اخلاقی و انسانی که اسّ اساس شریعت بهائی است مقدّر است که به اراده الهی در عملیات هیکل و نظام صلح اصغر نفوذ و رسوخ نماید.

فرق بین صلح اکبر و اعظم در این است که در ظلّ نظم بدیع جهان آرای الهی در میقات مقررّ خود و در ضمن تحولات و ترقّیات عصر طلائی آئین بهائی مژده و بشارت حضرت بهاءالله که ارض قطعه‌ای از جنّت ابهی خواهد شد، کاملاً و مکّملاً تحقّق خواهد یافت. صلح اصغر را می‌توانیم به عنوان شکوفه صلح عمومی بدانیم ولی این درخت هنوز دو مرحله دیگر دارد. در مرحله اول باید این شکوفه به میوه و ثمر مبدّل شود. یعنی این شکوفه باید میوه درونی خود را ظاهر کند، این میوه را می‌توانیم صلح اکبر بنامیم. امّا این میوه اولش هنوز نارس است، به تدریج شیرین و مطبوع خواهد شد و آن را می‌توانیم در آن موقع ظهور صلح اعظم بدانیم.

در یکی از توقیعات مبارکشان به انگلیسی، حضرت ولیّ امرالله توضیح داده‌اند که دو نقشه الهی در حال تحقّق است: یکی در محیط داخلی و خصوصی جامعه بهائی است و دیگری در خارج آن یعنی در فضای عمومی و وسیع تحولات جهانی. در این فضای وسیع ما اهل بهاء وظیفه

وجدانی داریم که هر یک از ما به قدر امکان، خود را بهائی حقیقی کنیم. در سطح مؤسّسات امری، حقیقت تعالیم الهی باید در مشروعات امری کاملاً ظاهر و نمایان باشد. اگر به این شرائط عمل نمائیم ملاً اعلی حسب الامر جمال اقدس ابهی ما و مؤسّسات امریه را در ظلّ قیادت بیت العدل اعظم وسیله و واسطه تحقّق بشارات ملکوتی و اهداف و مقاصد آسمانی قرار خواهند داد.

حضرت ولیّ امرالله مکرراً در توفیعات خودشان می فرمایند که ید غیبی در کار است و طبق اراده محیطه غالبه غیبیه الهیه، نوع بشر را ابتداء به صلح اصغر و سپس به دو صلح اکبر و اعظم سوق خواهد داد. البته چون جامعه بهائی در شورای اجتماعی و اقتصادی هیئت سازمان ملل عضویت دارد نمایندگان ما علی الخصوص در سطح بین المللی و البته در سطح ملی و محلی نهایت سعی و همت خود را مبذول می دارند و در امور اجتماعی و اقتصادی و آنچه مربوط به بهبود و آسایش و سعادت نوع بشر است به کمال اشتیاق و جدّیت تشریک مساعی می نمایند.

همان طور که عرض کردم، حضرت ولیّ امرالله در توفیعات خودشان می فرمایند که دو نقشه در جریان هست. به انگلیسی اسم آن را Major Plan یعنی نقشه کبری عمومی و Minor Plan یعنی نقشه صغرای خصوصی گذاشته اند. نقشه خصوصی مربوط به من و شما و جامعه بهائی است. می دانم شما به این فکر می کنید که این نقشه جامعه بهائی چرا صغری شده است. چرا حضرت ولیّ امرالله نام نقشه عمومی جهانی را کبری گذاشته اند؟ حضرت بهاءالله فقط برای افراد بهائی و جامعه کوچک شش میلیونی نیامده اند، برای عالم انسانی و دوره اقلّاً هزار ساله ظاهر شده اند. می فرمایند که عالم انسانی در حال بلوغ است، هنوز به مرحله بلوغ نرسیده. این فقط جامعه بهائی نیست که به مرحله بلوغ نرسیده، عالم انسانی به مرحله بلوغ نرسیده. حتی برای بلوغ عالم انسانی در آثار جمال اقدس ابهی علائمی و شرائطی ذکر فرموده اند، این علامات در توضیحات و یادداشت های کتاب مستطاب اقدس درج شده است.

بنابراین به همین سبب است که نقشه عمومی الهی مربوط به عالم انسانی است و نقشه های ما مربوط به امور و تحولات خصوصی و پیشرفت های جامعه بهائی است. شاید تصوّر خود که چون ما راجع به مسائل صلح صحبت می کنیم، می خواهیم در امور سیاسی دخالت بکنیم، ابدأ این طور نیست. حضرت بهاءالله نیامده اند که یک حزب سیاسی و یا باشگاهی را تأسیس بکنند و اسم آن را باشگاه بهائی بگذارند، این طور نیست. آئینی و دین و شریعتی آورده اند و برای سعادت عمومی عالم انسانی آمده اند، برای تأسیس مدنیّت الهی آمده اند. هر فردی از افراد بشر امروز،

مورد توجه و علاقه حق است. حق میل دارد که همه را یکی کند تا همه متحد بشوند. این است که آن نقشه عمومی الهی در حال حرکت است. در عین حال به ما وظایفی داده‌اند و حضرت ولی امرالله نقشه‌های تبلیغی به ما داده‌اند و خودشان پیش بینی فرموده‌اند که در آینده بیت العدل اعظم این نقشه‌ها را وضع و اجرا خواهند کرد و این پیش بینی در آثار منتشر شده ایشان، به کمال صراحت منعکس است.

آرزوهای اهل بهاء برای تحقق صلح و آشتی و تأسیس مدنیت الهی در این مناجات حضرت عبدالبهاء به وجه احسن منعکس و توصیف شده است:

«ای پروردگار نوع بشر را موفق نما تا نزاع و جدال زائل گردد و بنیان خصومت برافتد و بنیاد الفت و محبت تأسیس شود، قلوب مؤتلف شوند، نفوس منجذب گردند، عقول ترقی کند، وجوه روشن و نورانی گردد. جنگ و جدال نماند، صلح و سلام رخ بگشاید، وحدت عالم انسانی در قطب آفاق خیمه برافرازد، قبائل و امم مختلفه امت واحده شود، اقالیم متعدّد حکم اقلیم واحد یابد، بسیط زمین وطن واحد شود، شعوب و ادیان متعارضه متنازعه ملت واحده گردد، عالم آفرینش آرایش جوید و من فی الأرض راحت و آسایش یابد. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا.

ع ع